روزنامه طلوع

تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ دوشنبه

صفحه ۵

شماره ۱۹۸۳

سال بیست وسوم

با قانون زندگی کنیم

هرگاه با سهل انگاری و کوتاهی مالک حیوانی به حیوان دیگر حمله کند و آسیب برساند مالک آن عهده دار خسارت خواهد بود و هر گونه خسارتی بر حیوان حمله کننده و مهاجم وارد شود کسی عهده دار آن نمی باشد

ماده ۳۵۹ قانون مجازات اسلامی

اندیشه

حرف‌های مردم

شیراز- علی ناظری: چهارراه کج و معوج و بدون نام، جنب بوستان انقلاب (پارک فخرآباد) واقع در خیابان نادر به حدی خطرناک و حادثه‌آفرین است که عابر پیاده برای عبور از عرض خیابان‌ها و کوچه چهار طرف آن یا باید دل شیر داشته باشد و یا کاملاً از زندگی سیر باشد، چراکه به قول معروف (ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند) تا عابر پیاده را له کنند و به دیار باقی بفرستند.

حال جای سئوال و تعجب این جاست که مسئولان ترافیک کلان‌شهر شیراز از شهرداری گرفته تا راهنمایی و رانندگی، درعین‌حال آگاهی از خطرات مهلک این چهارراه غیراستاندارد که به قتلگاه عابران شهرت یافته، فکری به حال احداث پل هوایی عابر پیاده در این نقطه از شهر نمی‌کنند و به‌راحتی از کنار این خطر و تهدید جدی می‌گذرند. آیا واقعاً دوست، آشنا، فامیل، خانواده و .... آنان هرگز از این تقاطع وحشتناک عبور نکرده و نخواهند کرد؟ آیا هنوز این اتفاق افتاده که خود این آقایان مسئول برای یک بار هم که شده حتی ازیک طرف این چهارراه (قتلگاه) به‌عنوان عابر پیاده عبور کرده باشند؟

عبور خودروهایی که از شمال خیابان نادر به سمت خیابان شکیبا (جنب بوستان انقلاب) حرکت می‌کنند به‌گونه‌ای است که از نزدیکی‌های باسکول نادر با انتخاب قسمت چپ خیابان (جهت مخالف و با تخلف آشکار)، زمینه را برای برخورد با عابرانی که می‌خواهند از روی خط‌کشی مربوطه از شرق به غرب خیابان باریک و دوطرفه و قدیمی نادر عبور کنند را فراهم کرده و همچنین عابر پیاده‌ای که قصد دارد عرض خیابان باریک و یک‌طرفه شکیبا را بپیماید، هرلحظه باید منتظر برخورد شدید با خودروهای شتاب‌زده و عجول باشد و از طرف دیگر ورود به کوی ۱۰ متری نادر از شمال و جنوب خیابان نادر نیز بارها و بارها موجب شاخ‌به‌شاخ شدن خودروهای هم متخلف و هم غیر متخلف بی‌گناه شده است.

با این اوصاف حق داریم که از جناب آقای شهردار، ریاست محترم شورای اسلامی شهر شیراز، پلیس راهور فارس و شیراز و تمام کسانی که برای ترافیک این شهر تصمیم می‌گیرند و به‌اصطلاح مغز متفکر تردد و حمل و نقل و عبور و مرور و رفت‌وآمد هستند دعوت کنیم که برای یک بار هم که شده به‌عنوان عابر پیاده از اطراف این چهارراه خارق‌العاده!! عبور کنند.

کشاورزان را دریابید

منوچهر حبیبی

متأسفانه چند سالی است که کشاورزان، باغداران و زارعان در بخش هایی از کشور با چالش و مشکلات عدیده ای روبرو هستند که در استان فارس این معضلات جدی تر و حادتر است. به ویژه که استان به دنبال خشکسالی های مکرر با کم آبی مواجه است.

یکی از مشکلات در این حوزه، عدم تعادل در عرضه و تقاضاست که موجب ورشکستگی و هدر رفتن آب و فرسایش خاک می شود و به کوچ کردن و خالی شدن روستاها می انجامد. شاید بخشی از آن، ناشی از کاهش قدرت خرید مردم باشد، اما رها کردن محصولات در زمین به گرانی تولید و بی برنامگی و سایر عوامل بستگی دارد که کارشناسان و مسئولین، به ویژه جهاد کشاورزی باید به آن بپردازند و مشکل را ریشه یابی کرده و برطرف سازند. اما آیا جز این است که هنوز حرفه ای و مکانیزه شدن کشاورزی در کشور و به ویژه در استان فارس که می تواند قطب کشاورزی ایران باشد انجام نمی شود.

در استانی که به شدت مورد تهدید کم آبی قرار دارد و مناطق بسیاری را بابت کشاورزی غیرحرفه ای، می رود به بیابان تبدیل کند، به راستی مکانیزه شدن کشاورزی آیا برخورداری از ماشین آلات همچون تراکتور، کمباین و انواع دیگر ابزار و به کارگیری بذر اصلاح شده و کود و سموم است؟ آیا تخصص و نظارت در آن جایی دارد؟ آیا امروز که شماری از کشاورزان استان تا مرز ورشکستگی و حتی به زندان افتادن بابت بدهکاری قرار دارند، نقش و جایگاه نظارت و پشتیبانی و بازاریابی چه قدر بوده است؟ چرا کشاورزان ما به جای آنکه از شیوه های مدرن و مکانیزه و حرفه ای بهره گیرند، همچنان نصف و نیمه همچون گذشته به کشت و داشت و برداشت می‌پردازند آیا زیان و بی توجهی و بی برنامگی و عدم نظارت در کشاورزی امروز بلای جان زارعان و آفت در این حوزه نیست؟

قطع به یقین، سال‌هاست به کشاورزان آموخته اند که برای مبارزه با آفت ها از سموم گوناگون استفاده کنند. اما به آنان یادآور شده ایم که خطرناک ترین آفت که می تواند دار و ندارشان را بر باد دهد و از هر بارش و تگرگ بی موقع و طوفان و تندبادی ویرانگرتر است، بی برنامگی در کاشت محصول و تولید مازاد است؟

چرا باید پس از ماه ها کار و صرف هزینه های سنگین، شماری از کشاورزان ما دست از پا درازتر جلوی خانواده های خود شرمنده شوند و دست به دامان این نهاد و آن مؤسسه مالی و اعتباری شوند تا بتوانند برای مدتی سر پا باشند و امید به آینده داشته باشند تا از نو و با تلاش و کار، شانس خود را برای جبران زیان‌ها امتحان کنند که شاید فرجی شود و از خاک بلند شوند؟ چرا امروز و در هر برهه ای که بیکاری موجب روی آوردن افراد بسیاری برای اشتغال به کشاورزی شده است نباید این حوزه را سامان دهی کرد؟ نباید اوضاع را فنی و دقیق و کارشناسی شده طوری هدایت کرد که کشاورز ثمره دسترنج خود را ببیند؟ چرا ما نباید علیرغم برخورداری از خاک و امکانات مناسب با کمترین مصرف آب، بیشترین و بهترین تولید را داشته باشیم؟ چرا خبری از ترویج کشاورزی نیست؟ چرا نهادهای ذی‌ربط به جای قرار گرفتن در کنار کشاورزان به نوعی در مقابلشان قرار دارند؟

چرا سودجویان و رانت خواران به نوعی از آب گل آلود ماهی های درشت می گیرند و با عرضه سمومی که از آفت زیان بارتر است، به نوعی کیفیت محصولات باغی و کشاورزی را نه تنها پایین می‌آورند که غیرقابل نگهداری و بی مصرف می کنند؟

قطعاً بیکار شدن کشاورزان و کارگران که در این حوزه در مراحل مختلف و یا به طور فصلی همکاری می کنند بر آمار و شمار فقیران جامعه و بر مصائب و مشکلات خانواده ها می افزاید. سرازیر شدن سیل

روستاییان به شهرها به دلیل بیکاری و عدم توانایی اداره زندگی، علاوه بر شلوغی شهرها و گسترش حاشیه نشینی، پیامدهای ناگوار اجتماعی را به دنبال دارد. باز شدن هر پرونده در دادگستری بابت بدهی زارعان و افرادی که در حوزه کشاورزی و باغداری زیان دیده اند، علاوه بر پیامدهای ناگوار، موجب هدر رفتن وقت و سرمایه می شود.

واقعا تأسف بار است در زمانی که بخش قابل توجهی از فارغ التحصیلان بیکارمان تخصص و گرایش های مرتبط با حوزه کشاورزی، باغداری و امثالهم دارند، زمین های ما بدون نظارت دقیق، بی برنامه و بدون آینده نگری از تهدیدات کمبود آب و فرسایش و فقیر شدن خاک و... کشت می شوند و بدون آگاهی از به کار گیری و استفاده بیش از حد و بی موقع از سموم محصولات تولید می شوند و بدون آنکه تغییری در شیوه و روش نگهداری و بسته بندی و صادرات ایجاد کنیم، روند زیان بار گذشته را ادامه می دهیم. ادامه این وضعیت علاوه بر آنکه موجب نابودی آب و خاک باارزش ترین ثروت استان و کشور می شود، بر شمار بیکاران و حاشیه نشین ها می افزاید که نتیجه‌اش صرف هزینه های سنگین برای مبارزه با ناهنجاری‌های اجتماعی خواهد بود. پس کشاورزی مکانیزه تنها با بهره گیری از ماشین آلات و ابزار کشاورز میسر نمی‌شود ودر این رهگذر نقش مروجان و متخصصان و برنامه ریزان و بازاریابان بیش از هر زمانی تأثیرگذار خواهد بود. چرا که دنیا دهه هاست با کشت دیم و با کشاورزی غیرعلمی و غیر حرفه‌ای و با منطق هرچه پیش آید خوش آید، خداحافظی کرده است. قطب های کشاورزی دنیا از آمریکا و روسیه تا چین و برخی کشورهای اروپایی و خاورمیانه ای به لطف کشاورزی مکانیزه که همانا صرف نیروی کار کمتر مصرف حداقلی آب و استفاده از بذرهای اصلاح شده و سموم استاندارد است علاوه بر به دست گرفتن بازار جهانی با سود سرشار و گسترش صنعت بسته بندی موجب اشتغال پایدار در کشورهایشان نیز شده اند. لذا امروز بر مسئولین در استان و در حوزه کشاورزی کشور است که به داد زارعان، باغداران و کشاورزانمان برسند و به مشکلات و خواسته هایشان توجه نمایند تا دیگر شاهد رها کردن محصولات کشاورزی در زمین ها نباشیم.

اهمیت عقل در دین‌داری چیست؟

آیات الهی به مردم هشدار می دهد که عقل و فکر خودتان را نکشید، قلب خود را در پرده نگه ندارید، بگذارید تا نور الهی برقلب شما بتابد و از نور آن بهره ببرید. بگذارید عقل شما کارکند، فکر کنید، تشخیص دهید، بگذارید عقل راهنمای شما باشد. شما عقل را اسیر خود نگردانید. بگذارید عقل راهنمای شما باشد، چراغ عقل را زنده نگه دارید.

همانطور که رحمت الهی همه چیز را فراگرفته است عقوبت الهی نیز برای مردمی که از راه صحیح و عدل و صواب سربرمی‌تابند سخت خواهد بود. آیات الهی به مردم هشدار می دهد عقل را اسیر خود نگردانید. بگذارید عقل راهنمای شما باشد، عقل را خوار و ذلیل نکنید، ... اگر عقلتان را خوار کنید خودتان خوار می شوید. عقل سخن خوب را می پذیرد، حکمت را موجب حیات می داند. آیا مردمی که از هوای پاک گریزان باشند و از آب که مایه حیات است گریزان باشند، مرده نیستند! اگر قلب و عقل آدمی زنده باشد این ها را مایه حیات می‌یابد. اگر عقل باشد آنچه را که مایه حیات آدمی است می پذیرد. از امام باقر(ع) نقل است که فرمود: «مرگ قلب از شهوات نفس است» هرچه آدمی در پی شهوات نفسانی باشد دل خود را می میراند و هرقدر از این شهوات نفسانی خودش را دور نگه دارد زندگی و حیات بیشتری در دل او پیدا می شود.

آنگاه سخن خدا را، سخن رسول خدا را می‌شنود. چون شنیدن کار زنده هاست و هر که از پند وحکمت روی برگرداند خداوند آنان را کور ونابینا نامیده که شیطانی برآن‌ها گمارده شده است.

از نظر امام علی در نهج البلاغه چه کسی می‌تواند پیشوا باشد؟

یکی از شروطی که امام علی علیه‌السلام برای پیشوا و رئیس ذکر فرموده است داشتن سعه صدر است.

سعه صدر یعنی سینه وسیعی که بتواند آرای گوناگون را بشنود و آنها را تحمل کند و رخدادهای مختلف را ببیند و برای هر یک چاره اندیشی کند. امام علی علیه السلام در حکمت ۱۷۹ نهج البلاغه می فرماید: آله الرئاسه سعه الصدر. ابزار ریاست داشتن سعه صدر است.

این سعه صدر همان چیزی است که موسی علیه السلام در آغاز نبوتش از خدا درخواست کرد و گفت: رب اشرح لی صدری و یسر لی امری.

این سعه صدر همان چیزی است که پیامبر اکرم (ص) وقتی نامش پرآوازه شد از آن برخوردار بود و خداوند بواسطه اعطای آن به پیامبر بر وی منت نهاد و گفت: « الم نشرح لک صدرک و وزعنا عنک وزرک و رفعنا لک ذکرک» از مظاهر گویای شرح صدر پیامبر اکرم عفو عمومی مردم در روز فتح مکه بود. او مردمی را که انواع ستم را بر او روا داشته بودند مورد عفو و رحمت قرار داد و بدون آنکه قطره خونی ریخته شود همه بخشیده شدند.

و از مظاهر سعه صدر امام علی علیه‌السلام منشور حکومتی اوست که در آن می‌خوانیم: ای مالک از صمیم دل بر آحاد ملت مصر رأفت و رحمت آور، زیرا آنان از دو صنف بیرون نیستند یا برادران ایمانی تو هستند یا همتایان تو در آفرینش؛ امروزه نیز رئیسان و حاکمان مسلمان باید به پیامبر اکرم و علی مرتضی تأسی کنند و با سعه صدر و رحمت، آحاد ملت اعم از مسلمان و غیرمسلمان و طرفداران این حزب و آن گروه را مخدومان خود بدانند و به آنان از جان و دل خدمت کنند.

طلوع فجر صادق ابتدای وقت نماز صبح و «طلوع آفتاب» انتهای وقت آن است و زمان واقع در بین این دو طلوع را «بین الطلوعین» می نامند.

قرآن کریم با عبارت «وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ

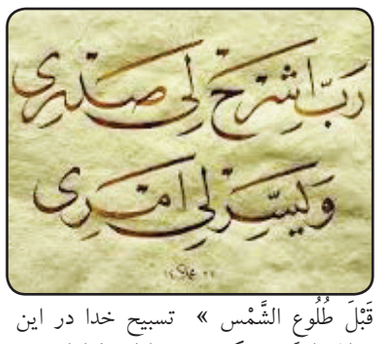

قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْس » تسبیح خدا در این زمان را توصیه کرده و روایات فراوانی نیز در زمینه عبادت در «بین الطلوعین» وجود دارد که در برخی از آنها اذکار و عبادات ویژه ای هم پیشنهاد شده است:

۱. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): «هر کس از طلوع صبح تا طلوع آفتاب در مصلّای خویش بنشیند و به تعقیب نماز مشغول باشد، خداوند او را از آتش دوزخ محفوظ دارد.»

۲. رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس هنگام صبح، هفت بار این آیات را بخواند، در آن روز از بلاها محفوظ باشد: «فَاللهُ خَیْرٌ حافِظاً وَ هُوَ ارْحَمُ الرَّاحِمینَ،اِنَّ وَلِیِّی اللهُ الَّذی نَزَّلَ الْکِتابَ وَ هُوَ یَتَوَلَّی الصَّالِحینَ، فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِی اللهُ لا الهَ الّا هُوَ، عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیم» پس [در هر حال] خداوند بهترین حافظ و مهربان ترین مهربانان است، ولیّ و سرپرست من خدایی است که این کتاب را نازل کرده و او همه صالحان را سرپرستی می کند، پس اگر آنها [از حق] روی بگردانند [نگران مباش] بگو: خداوند مرا کفایت می کند، هیچ معبودی جز او نیست بر او توکل کردم و او صاحب عرش بزرگ است.

۳. هر کسی صبح کند و چهار نعمت خدا را یاد نکند، می ترسم که این نعمت های خدا از او زایل گردد؛ آن چهار نعمت و سپاس بر آن، چنین است: «الْحَمْدُ للهِ الَّذی عَرَّفَنی نَفْسَهُ، وَ لَمْ یَتْرُکْنی عَمْیانَ الْقَلْبِ، الْحَمْدُ للهِ الَّذی جَعَلَنی مِنْ اُمَّةِ مُحَمَّد صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِه، الْحَمْدُ للهِ الَّذی جَعَلَ رِزْقی فی یَدَیْهِ وَ لَمْ یَجْعَلْ رِزْقی فی اَیْدی النَّاس، الْحَمْدُ للهِ الَّذی سَتَرَ ذُنُوبی وَ عُیُوبی ، وَ لَمْ یَفْضَحْنی بَیْنَ النَّاس»؛ سپاس مخصوص خداوندی است که خود را به من شناساند، و مرا کوردل به حال خود رها نکرد، سپاس مخصوص خداوندی است که مرا از پیروان محمّد -که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد- قرار داد، سپاس مخصوص خداوندی است که روزیم را در اختیار خویش قرار داد و آن را به دست مردم نسپرد، سپاس مخصوص خداوندی است که گناهان و عیب هایم را پوشاند و در میان مردم رسوایم نساخت.

۴. امیر مومنان علی(علیه السلام): «هر کس هرکدام از سوره های توحید و قدر و آیه‌ی الکرسی را یازده بار پیش از طلوع آفتاب بخواند، از خسارت های مالی محفوظ می‌ماند».

۵. امیرمومنان علی (علیه السلام): «ذکر خدا، بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب، حتّی از مسافرت تجارتی نیز، در جلب روزی موثّرتر است».

۶. امام باقر(علیه السلام): «خواب صبح، شوم و نامیمون است؛ روزی را دور می‌سازد، رنگ صورت را زرد و متغیّر می‌کند. خداوند متعال، روزی را بین الطلوعین تقسیم می کند، از خواب در این زمان بپرهیزید و بدانید که منّ و سلوی (دو غذای لذیذی که برای بنی اسرائیل نازل می شد) در این ساعت بر بنی اسرائیل فرود می آمد».

۷. امام باقر(علیه السلام): «هر کس بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه استغفار کند، خداوند او را بیامرزد».

۸. امام باقر(علیه السلام): «هر کس سوره «قدر» را پس از طلوع فجر هفت بار بخواند، هفتاد صف از فرشتگان بر او درود می فرستند و هفتاد مرتبه برای او طلب رحمت می کنند.

و در پایان، هر آنچه به عنوان تعقیبات نماز صبح در روایات ذکر شده را می توان از اعمال بین الطلوعین دانست.

آگهی مزایده عمومی دو مرحله ای

شهرداری باب انار در اجرای مصوبه شورای اسلامی شهر در نظر دارد مقدار یک قطعه زمین تجاری کوی عرفان به متراژ ۴۸۶/۱۶ مترمربع بصورت جبهه اول تجاری بلوار اصلی و جبهه دوم تجاری پشت بر اصلی بلوار و جبهه اول تجاری بر ۲۰ متری از طریق مزایده عمومی بفروش برساند متقاضیان می‌توانند پس از ارائه وجه سپرده شرکت در مزایده ظرف مدت ۷ روز از انتشار آگهی چاپ دوم پیشنهاد مبلغ خرید خود را به همراه فیش سپرده به دبیرخانه شهرداری تحویل نمایند برای اخذ مدارک و اسناد به واحد امور مالی مراجعه نمائید.

شرایط مزایده:

۱-مبلغ واریزی بابت سپرده شرکت در مزایده معادل پنجاه میلیون ریال بصورت فیش واریزی به حساب شماره ۳۱۰۰۰۰۴۴۸۰۰۸ نزد بانک ملی شعبه خفر به نام شهرداری باب انار تحویل نمایند.

۲- در صورت برنده شدن و استنکاف از معامله سپرده نفرات اول تا سوم به نفع شهرداری ضبط می گردد.

۳- شهرداری در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادها مجاز و مختار می باشد.

۴- به پیشنهادات خارج از موعد مقرر یا مخدوش ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۵- کلیه هزینه چاپ آگهی بعهده برنده مزایده خواهد بود.

۶- انتقال سند پس از تسویه حساب کامل و تایید امور مالی شهرداری میسر می باشد.

۷- شرایط پرداخت بصورت کاملا نقدی بوده و امکان تقسیط وجود ندارد.

۰۷۱-۵۴۵۰۲۶۰۹

نوبت اول: ۹۶/۰۳/۲۲ نوبت دوم: ۹۶/۰۳/۲۹ ۲۴۷۳۵/۲

شهرداری باب انار